

افشاء و مدل های آن

رضا غلامی جمکرانی^۱ و مسعود بختیاری^۲

۱ استادیار گروه حسابداری، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران

۲ مربی، گروه حسابداری، دانشگاه پیام نور، جمهوری اسلامی ایران

چکیده

گزارشگری مالی و افشاء از موضوعات مهم مطرح در بازارهای سرمایه به شمار می‌رود که از یک سو کارایی و عملکرد بازار را بصورت مستقیم تحت تأثیر خود قرار می‌دهد و از سوی دیگر در عملکرد هر شرکتی تأثیر قابل توجهی دارد. بدین منظور در بخش اول ابتدا مفهوم افشاء تشریح گردیده و در بخش بعدی افشای اختیاری و اجباری و مدل های انواع افشاء ارائه و در بخش آخر نتیجه گیری شده است.

واژه‌های کلیدی: افشاء، افشای اختیاری و اجباری، مدل های افشاء

۱- مقدمه

افشای یکی از اصول حسابداری است که بر کلیه جوانب گزارشگری مالی تأثیر دارد (رحیمی و نظام پور، ۱۳۹۵). افشای اطلاعات توسط شرکت ها یکی از منابع مهم و ارزشمند اطلاعاتی برای سرمایه گذاران، اعتباردهندگان و سایر ذی نفعان در جهت تصمیم گیری اقتصادی آگاهانه است (رحمانی و بشیری منش، ۱۳۹۳). در سطح معنایی، افشای به معنی انتشار اطلاعات است، اما حسابداران اغلب تمایل به استفاده محدود از این واژه دارند. در ادبیات مالی انتقال و ارائه اطلاعات اقتصادی اعم از مالی و غیر مالی، کمی یا سایر اشکال اطلاعات مرتبط با وضعیت و عملکرد مالی شرکت را افشای می گویند. افشای در حسابداری واژه ای فراگیر است و تقریباً تمامی فرآیند گزارشگری مالی را در برمی گیرد (سجادی و همکاران، ۱۳۸۸). موضوع دیگر، استفاده تجزیه و تحلیل کنندگان اطلاعات مالی از افشای انجام شده در گزارش های مالی است. مؤسسات تجزیه و تحلیل کننده اطلاعات مالی، مواد خام یعنی اطلاعات مالی شرکت ها را براساس اصل افشای به صورت مجانی دریافت می دارند و پس از تجزیه و تحلیل آنها را گران به مشتاقان می فروشند. لذا هر چه هیأت های استانداردگذار فشار بیشتری برای افشای وارد نمایند اطلاعات دقیق تر و فراوان تر در دسترس این مؤسسات قرار می گیرد. (رودکی، ۱۳۸۲). افشای شرکت برای عملکرد کارای یک بازار سرمایه حیاتی است. سه تصمیم اصلی که در بازار سرمایه شکل می گیرد شامل تصمیمات افشای اختیاری مدیران، افشای قانونی و گزارشگری تحلیلی است. دلیل وجوب قوانین افشای در بازار سرمایه را می توان بصورت زیر بیان نمود:

۱- مدیران به صورت اختیاری تمام اطلاعات خصوصی را افشای نمی کنند،

۲- در دسترس بودن^۱ و مقرون به صرفه بودن^۲ مکانیزم های جایگزین یا اطلاعاتی از منابعی غیر از شرکت

۳- حجم موضوعات مباشرتی^۳ با حجم موضوعات ارزشیابی مقایسه می شود

ناهماهنگی انگیزه های مدیران و سرمایه گذاران و جنبه کالای عمومی بودن افشای دو دلیل اصلی قانون افشای هستند که منجر به مسائل "سواری رایگان"^۴ می شود. در واقع سرمایه گذران آتی از اطلاعاتی که سهامداران فعلی هزینه آن را داده اند استفاده می برند که این پدیده "سواری رایگان" نامیده می شود که منجر به تولید کمتر از نیاز اطلاعات در اقتصاد می شود.

۲- ساختار کلی تحقیق

ساختار کلی تحقیق پیش رو در دو بخش زیر ارائه شده است:

- بخش اول: تصمیمات افشای اختیاری مدیران
- بخش دوم: افشای اجباری توسط قانون

۳- بخش اول-تصمیمات افشای اختیاری مدیران

افشای اختیاری، افشای اطلاعاتی است فراتر از تعهدات قانونی، که بوسیله نهادهای قانونگذار تدوین شده است و نقش مهمی در کاهش عدم تقارن اطلاعاتی بین مدیران و سرمایه گذاران برون سازمانی ایفا می کند (خدادادی و بنایی قدیم، ۱۳۹۴). افشای داوطلبانه، افشای فراتر از قوانین و استانداردها می باشد. استانداردها حسابداری اگرچه حداقل میزان افشای را تعیین کرده اند ولی برای افشای اضافی اطلاعات محدودیتی قائل نمی شوند. در صورتی که مدیریت بتواند با افشای اطلاعات اضافی و داوطلبانه رهنمودهای بهتری را در ارتباط با اهداف و چشم انداز آتی شرکت و استفاده بهینه از منابعی که در اختیار دارد ارائه کند و تصویر شفاف تری از وضعیت موجود نشان دهد در این صورت سرمایه گذاران و سایر استفاده کنندگان از صورت های مالی می توانند از تدابیر مدیریت آگاه شوند و انتقادات آنها نسبت به عملکرد موسسه برطرف می شود و به آینده موسسه امیدوار می شوند. تصمیمات افشای اختیاری مدیران را می توان بصورت زیر ارائه نمود:

1 -availability
2 -cost-effectiveness
3 -stewardship
4 -free-rider

- ✓ مدل های افشای اختیاری
- تعهد پیش از وقوع به استراتژی های افشاء
- افشای غیر قابل تأیید
- مدل های وضعیت ابطال هزینه بر^۵
- مدل گفتگوی ارزان^۶
- عدم اطمینان نسبت به انگیزه های افشاء
- عدم اطمینان نسبت به واکنش سرمایه گذاران
- در اختیار گذاشتن اطلاعات احتمالی
- هزینه افشاء
- خلاصه ای از مدل های افشای اختیاری
- ✓ تحقیقات تجربی راجع به افشای اختیاری

۳-۱- مدل های افشای اختیاری:

افشای اختیاری به عنوان اطلاعاتی، مالی و غیر مالی، تعریف می شود که افشای آن برای شرکت دارای مزیت بوده اما خارج از الزامات قانونی است. در مورد افشای اختیاری شرکت ها، به مدل های زیر می توان اشاره نمود:

۳-۱-۱- تعهد پیش از وقوع به استراتژی های افشاء^۷:

این مدل هزینه و منفعت سطح افشای بهینه پیش از وقوع را تبیین می کند. از آنجا که افشای بهینه پیش از وقوع به احتمال زیاد متفاوت است، شرکت ها نیاز به یک مکانیزمی برای اعتبار بخشیدن به تعهد پیش از وقوع رویه افشای بهینه دارند. ساختار حاکمیت شرکتی که افزایش شفافیت را حمایت می کند می تواند اجازه می دهد شرکت ها تعهد به سطوح بالایی از افشاء داشته باشند. روش دیگر، نظارت است که اجبار افشای خاص نیز می تواند در نقش یک مکانیسم تعهد باشد.

۳-۱-۲- افشای غیر قابل تأیید^۸:

شرکت ها تنها می توانند افشای صادقانه ارائه دهند. با این حال بعضی به اشتراک گذاری اطلاعات در بازار سرمایه از طریق کانال های غیررسمی که در آنجا لزوماً واقعیت ها را نمی گویند اعتقاد دارند. اینکه چقدر سرمایه گذاران می توانند از افشای داوطلبانه که ممکن است صادقانه نباشد یاد بگیرند و چه استراتژی های افشایی مدیران دنبال می کنند، تا حد زیادی به این بستگی دارد آیا ارائه نادرست کم هزینه است یا پر هزینه. وقتی که هیچ هزینه مستقیم گزارش دهی نادرست وجود ندارد، مدیران مجبورند هر افشایی که منجر می شود سرمایه گذاران ارزش شرکت را نزدیک تر به اهداف مدیران داشته باشند ارائه شود. چنین افشایی غیر آگاهی بخش است چرا که مستقل از اطلاعات خصوصی مدیران است (استوکن، ۲۰۰۰).

در مقابل افشای اجباری، مدل های وضعیت ابطال هزینه بر، تا حد زیادی در تنظیمات افشای داوطلبانه، ناشناخته باقی مانده است (کورن، ۲۰۰۴، بایر و گاتمن، ۲۰۱۰، اینهورن و زیو، ۲۰۱۰). مدل های وضعیت ابطال هزینه بر، فرض می کند که در حالی که افشاء لازم نیست صادقانه باشد، تحریف های گزارشگری برای مدیران هزینه بر است. هزینه چنین تحریف های گزارشگری بر مدیران تحمیل می شود که عموماً فرض می شود تفاوت بین موارد گزارش شده و واقعی اطلاعات خصوصی مدیران در حال افزایش است. در این مدل مدیران اغلب اطلاعات خصوصی را فاش نمی کنند.

5 - costly state falsification models

6 - Cheap-talk model

7 - Ex-ante commitment to disclosure strategies

8 - Non-verifiable disclosure

۳-۱-۳- عدم اطمینان نسبت به انگیزه های افشا^۹:

مدیران درصدد هستند تا ارزش سهام شرکت را ماکزیمم سازند و سرمایه گذاران می دانند که این از اهداف مدیران است. وقتی مدیران اغلب انگیزه هایی برای ماکزیمم کردن قیمت های سهام و می نیمم کردن قیمت های سهام دارند، این شرایط باقی نخواهد ماند (آبودی و کازنیک، ۲۰۰۰). در نبود افشا، قیمت سرمایه گذاران تا حدودی از میانگین موزون کالاهاست و خبرهای بد اتفاق نمی افتد (اینهورن، ۲۰۰۷). اینگونه بیان می شود که سرمایه گذاران عدم اطمینان نسبت به انگیزه های گزارشگری مدیران دارند.

۳-۱-۴- عدم اطمینان نسبت به واکنش سرمایه گذاران^{۱۰}:

همه سرمایه گذاران به طور یکنواخت به افشای مدیران یا عدم افشای آن واکنش نشان می دهند، و تفسیر سرمایه گذاران و واکنش آنها برای مدیران شناخته شده است (داتا و ترومن، ۲۰۰۲). سرمایه گذارانی که اطلاعات خصوصی دارند نشان می دهند که تقاضا برای محصولات شرکت بالاست و این به سطح موجودی کالای بالا تفسیر خواهد شد و به اندازه خبر مثبت اجازه می دهد شرکت تقاضای تولید آتی بالا را برآورده سازد. سرمایه گذارانی که اطلاعات خصوصی دارند نشان می دهند که تقاضا برای محصولات شرکت پایین و سطح موجودی کالا بالا تفسیر خواهد شد و به همان اندازه خبرهای بد نگرانی آنها را از اینکه مشکلاتی در فروش محصولات وجود دارد تقویت می کند.

۳-۱-۵- در اختیار گذاشتن اطلاعات احتمالی^{۱۱}:

سرمایه گذاران می دانند مدیران، اطلاعات خصوصی دارند و در غیر اینصورت شرکتها با اطلاعات نامساعد اقدام به افشاء اطلاعات نمی کنند زیرا از دید سرمایه گذاران از شرکت هایی بدون اطلاعات غیرقابل تشخیص هستند (دای، ۱۹۸۵، جانگ و کان، ۱۹۸۸، پنو، ۱۹۹۷، پای، ۲۰۰۲). از آنجا که مدیران انگیزه نگهداشت خبرهای بد را دارند، عدم اطمینان باقیمانده سرمایه گذاران درباره ارزش شرکت زمانی که مدیران خبرهای بد را دریافت می کنند از زمانی که خبرهای خوب را دریافت می کنند بالاتر هست.

۳-۱-۶- هزینه افشا^{۱۲}:

اگر افشاء برای شرکت پرهزینه باشد، مدیریت تلاش می کند تا ارزش شرکت را مطابق با انتظارات سرمایه گذاران، ماکزیمم نماید. اطلاعات را فقط اگر به طور مناسبی مطلوب باشد افشاء خواهد نمود (جوانویک، ۱۹۸۲، ورسچیا، ۱۹۸۳، دای، ۱۹۸۶، لانن و ورسچیا، ۱۹۸۷). اطلاعات زمانی مطلوب است که ارزش دارایی ها انتظار رود با ریسک بالا یا پایین باشد (جورجنسن و کریسچن هیتر، ۲۰۰۳). در نبود افشاء، سرمایه گذاران بصورت منطقی استنتاج می کنند که ارزش دارایی ها انتظار می رود با ریسک پایین یا بالا باشد. حتی اگر به عقیده سرمایه گذاران، عدم افشاء به منزله خبر بد باشد، مدیران خبرهای نامساعد را افشاء نخواهند کرد زیرا آنها می توانند به نتیجه های بهتری با اجتناب از هزینه های مرتبط با افشاء دست یابند.

۳-۱-۷- خلاصه ای از مدل های افشای اختیاری:

مدل های افشای اختیاری از سه جنبه زیر قابل بررسی است:

۱- تفسیر سرمایه گذاران از افشاء یا عدم افشای اطلاعات یک نقش کلیدی در تصمیمات مدیریت برای افشای اطلاعات بصورت اختیاری دارد. زمانی که سرمایه گذاران به طور منطقی پیش بینی می کنند که مدیران اطلاعات را فقط اگر به نفع آنهاست افشاء می کنند، چنین سرمایه گذارانی افشاء را تفسیر کرده و به طور خاص نبود افشاء وابسته به درصد و دانش انگیزه های مدیران و اقتصاد بنیادین شرکت است.

۲- مدیریت و نه شرکت است که تصمیمات افشاء را اتخاذ می کند. هزینه و منفعت افشاء که تصمیمات افشاء را توضیح می دهد منعکس کننده بهره وری مدیریت و عدم مطلوبیت افشاء است. فاکتورهایی که موثر بر بهره وری مدیریت و عدم

9 - Uncertain disclosure incentives
10 - Uncertain investor response
11 - Probabilistic information endowment
12 - Disclosure costs

مطلوبیت افشاء می باشد شامل بسته های پاداش مدیران یا ساختار حاکمیت شرکتی به منظور ماکزیمم کردن ارزش سرمایه گذاری ها است (جان و رانن، ۱۹۹۰، کور، ۲۰۰۱). بیشتر مدل ها فرض می کند که تلاش های مدیران جهت ماکزیمم کردن قیمت سهام است. با این حال اغلب مدیران انگیزه دارند تا قیمت سهام را کاهش دهند (یرماک، ۱۹۹۷).

۳- سیستم های انگیزشی طراحی می شوند تا نه تنها بر تصمیمات افشای مدیران تاثیر داشته باشند بلکه بر تصمیمات سرمایه گذار، رفتار رقابتی و انتخاب های ساختار سرمایه تاثیر داشته باشد.

۴- تحقیقات تجربی راجع به افشای اختیاری:

در مدل هایی که بحث شد، مدیران مزایای اطلاعاتی بر سرمایه گذاران خارجی با در نظر گرفتن ارزش شرکت و سودآوری آن دارند و انگیزه هایی دارند تا ارزش شرکت را ماکزیمم کنند. مدیران انگیزه هایی دارند تا به طور استراتژیک و انتخابی اطلاعات را افشاء کنند. در عوض، سرمایه گذاران به طور منطقی چنین استراتژی های افشاء را انتظار دارند و مدیران انگیزه هایی برای افشای اطلاعات دارند که عدم تقارن اطلاعاتی را کاهش می دهد. تحقیقات تجربی راجع به افشای اختیاری را به صورت زیر می توان ارائه نمود:

- ✓ تحقیقات تجربی افشای اختیاری
- انگیزه های افشای اختیاری و تصمیمات گزارشگری مالی
- پاداش بر مبنای سهام و رقابت کنترل شرکت
- معاملات بازار سرمایه
- هزینه منفعت افشاء
- هزینه سرمایه
- نقد شونددگی
- هزینه مالکانه افشاء
- اندازه گیری افشای اختیاری و کیفیت گزارشگری مالی
- تاثیر بستر نهادی بر افشای اختیاری
- پیش بینی های مدیریت و دیگر مکانیزم های افشای اختیاری

۴-۱- انگیزه های افشای اختیاری و تصمیمات گزارشگری مالی :

۴-۱-۱- معاملات بازار سرمایه^{۱۳}:

زمانی که عدم تقارن اطلاعاتی بین مدیران و سرمایه گذاران بیرونی وجود دارد، سرمایه گذاران برای تحمل ریسک اطلاعاتی، صرف ریسک زیادی تقاضا می کنند. اما مدیران می توانند هزینه سرمایه خود را بوسیله کاهش ریسک اطلاعاتی با افزایش افشای داوطلبانه، کاهش دهند. افشای اختیاری اطلاعات باعث می شود عدم تقارن اطلاعاتی بین شرکت و بازار کاهش و تعداد سهام بیشتری معامله شود. بنابراین توان نقدشوندگی افزایش و موجب جلب توجه نهادهای سرمایه گذاری بزرگ خواهد شد. بنابراین با افزایش تقاضا، قیمت سهام بالا و ارزش بازار شرکت افزایش می یابد (بوتوسان و پلامل، ۲۰۰۲).

زمانی که مدیران یک شرکت قصد دارند سرمایه جدیدی را از طریق سهام یا بدهی انتشار دهند، انتظارات سرمایه گذاران از عدم تقارن اطلاعاتی بین مدیران و سرمایه گذاران خارجی کاهش یابد (هیلی و پالپو، ۲۰۰۱). کاهش در عدم تقارن اطلاعاتی زمانی ممکن است اتفاق افتد که افشای اختیاری برای سرمایه گذاران خارجی صورت گیرد (شهااتا، ۲۰۱۴).

۴-۱-۲- پاداش بر مبنای سهام و رقابت کنترل شرکت^{۱۴}:

طرح های پاداش مبتنی بر سهام (طرح های اختیار و سهام محدود) می توانند مدیران را وادار کند تا افشای اختیاری خاصی را فراهم کنند. عملکرد ضعیف قیمت سهام، در نتیجه تغییرات زیاد مدیرعامل رخ می دهد. تئوری افشای داوطلبانه، این فرضیه را مطرح می کند که ریسک بالای از دست دادن شغل، عملکرد ضعیف سهام و عایدات را به همراه خواهد داشت. مدیریت از افشای داوطلبانه شرکت برای کاهش احتمال کمتر از واقع ارزیابی شدن و برای توجیه عملکرد ضعیف عایدات استفاده می کند.

شرکت هایی که قیمت سهام آنها کمتر از ارزش واقعی تعیین گردیده، دارای انگیزه می شوند که برای اطلاعات مالی و آگاه کردن دیگران از این واقعیت، اطلاعات بیشتری را افشاء کنند (پارسایان، ۱۳۹۰).

۴-۲- هزینه منفعت افشا^{۱۵}:

۴-۲-۱- هزینه مالکانه افشا^{۱۶}:

هزینه مالکانه، افشای بخش های سود ده را مورد تاثیر قرار می دهد (برگر و هان، ۲۰۰۷). هزینه مالکانه، هزینه ای است که شرکت بخاطر افشای اطلاعات محرمانه و بکارگیری بالقوه آن توسط رقبا متحمل می شود. زیرا رقبا به استراتژی شرکت دست یافته و چشم انداز آتی شرکت را به خطر می اندازند. پس با وجود مطلوب بودن اطلاعات، مدیر تمایلی به افشای اطلاعات ندارد (لرگانی و آزاد، ۱۳۹۰). صنایع رقابتی تر، هزینه مالکانه آنها بالاتر خواهد بود و تمایل به افشا اختیاری اطلاعات در آنها کاهش خواهد یافت (کنت و یانگ، ۲۰۰۳).

۴-۲-۲- نقد شونددگی^{۱۷}:

تئوری اقتصاد، افشای اختیاری را پیشنهاد می کند و افزایش کیفیت اطلاعات عدم تقارن اطلاعاتی را کاهش می دهد و در عوض، نقد شونددگی سهام شرکت را افزایش می دهد (گلوستن و میلگروم، ۱۹۸۵، ایسلی و اوهارا، ۲۰۰۴). شواهد تجربی نیز نشان می دهند که افشاء و اطلاعات حسابداری با کیفیت بالا مرتبط با بهبود نقدینگی در سهام شرکت است و انتخاب نامطلوب را کاهش می دهد.

۴-۲-۳- هزینه سرمایه^{۱۸}:

این موضوع که رویه های افشاء و گزارشگری مالی هزینه سرمایه شرکت را مورد تاثیر قرار می دهد یکی از جالب ترین و مهم ترین سوالات در ادبیات مالی و حسابداری است. دو تئوری اصلی به این موضوع می پردازد که چرا ویژگی های افشاء و هزینه سرمایه مرتبط هستند: قیمت گذاری ریسک برآوردی و قیمت گذاری کیفیت اطلاعاتی. افشاء و هزینه سرمایه می تواند از طریق برآورد ریسک مرتبط شود (براون، ۱۹۷۹، باری و براون، ۱۹۸۵). شرکتها می توانند برآورد ریسک را با افشاء کاهش دهند.

۴-۳- اثر بستر نهادی بر افشای اختیاری^{۱۹}:

۴-۳-۱- هزینه دادخواهی^{۲۰}:

بیشتر تحقیقات بر ارتباط بین افشاء و هزینه دادخواهی از رابطه درون زا بین افشاء و خطر دادخواهی مورد انتظار رنج می برند (فیلد و همکاران، ۲۰۰۵). بنابراین ما نه تنها باید بر رابطه بین مقدار/تعداد افشاء و هزینه دادخواهی متمرکز شویم بلکه در ویژگی های دیگر افشاء مانند ماهیت اطلاعات افشاء شده توجه کنیم (خبرهای خوب در مقابل بد).

-
- 14 - Stock-based compensation and corporate control contests
 - 15 - The costs and benefits of disclosures
 - 16 - Proprietary costs of disclosure
 - 17 - Liquidity
 - 18 - Cost of capital
 - 19 - Effect of the institutional context on voluntary disclosure
 - 20 - Litigation costs

۴-۳-۲- مکانیزم های حاکمیتی، افشاء و گزارشگری مالی:

یک چالش با اهمیت در مواجهه با کار تجربی، رابطه بین مکانیزم حاکمیتی، افشاء و رویه های گزارشگری مالی، موضوعات علیت و درون زایی است. ماهیت درون زایی شرکت از محیط اطلاعاتی شرکت، مکانیزم حاکمیتی و نتایج مشاهده شده ایجاد ارتباط علی را مشکل و اثر دقیقی که یک مکانیزم ممکن است بر دیگری داشته باشد را توجیه می کند (بایر و همکاران، ۲۰۱۰).

۴-۴- اندازه گیری افشای اختیاری و کیفیت گزارشگری مالی

اندازه گیری گزارشگری مالی شرکت ها و فعالیت های افشاء مشکل است. دیچو (۲۰۰۲) مدلی را برای ارتباط بین جریانانات نقدی شرکت و اقلام تعهدی برای بدست آوردن اندازه گیری کیفیت سود استفاده کرد و کیفیت اقلام تعهدی را به عنوان یک نماینده ای برای کل کیفیت اطلاعاتی در نظر گرفت. ویسوکي (۲۰۰۹) تصریح کرد مدل دیچو توانایی تمایز بین اقلام تعهدی دستکاری شده و با کیفیت بالا را محدود می کند.

۴-۵- پیش بینی های مدیریت و دیگر مکانیزم های افشای اختیاری:

پیش بینی های مدیریت یکی از مهمترین شکل های افشای اختیاری است و مدیران می توانند موضوعات پیش بینی سود را به شکل کمی یا کیفی بیان کنند. شواهد نشان می دهد که با توجه به آینده عملیات شرکت و محیط اطلاعاتی آن، مدیران انگیزه های متفاوتی برای افشاء ارائه می دهند. مدیران به طور انتخابی، خبرهای خوب را بوسیله دسته بندی پیش بینی های سود با نتایج مالی گزارش شده دوره جاری افشاء می کنند. همچنین دعوت به مذاکره^{۲۱} توانایی تحلیلگران برای پیش بینی سود را به طور دقیق افزایش می دهد.

۵- بخش دوم- افشای اجباری توسط قانون

افشای اجباری شامل تمامی اطلاعاتی است که طبق قوانین و مقررات باید در اختیار استفاده کنندگان از صورت های مالی قرار گیرد. افشای اجباری توسط قانون را می توان به صورت زیر نمایش داد:

- مدل های نظارت بر افشاء
- ✓ منطقی جهت افشای قانونی
- ✓ استانداردهای حسابداری بهینه
- ✓ خلاصه ای از مدل های افشای قانونی
- تحقیقات تجربی جدید بر پیامدهای اقتصادی افشای قانونی
- ✓ قانون افشای منصفانه
- ✓ قانون ساربنیز-آکسلی
- ✓ خلاصه ای از پیامدهای اقتصادی قوانین افشای جدید

۵-۱- مدل های نظارت بر افشاء:

۵-۱-۱- منطقی جهت افشای قانونی:

چهار دلیل اصلی جهت نظارت بر افشاء عبارتند از :

- الف- پیامدهای خارجی مالی^{۲۲}: زمانی است که افشای شرکت نه تنها درباره خود بلکه درباره شرکت های دیگر آگاهی بخش است و افشای اجباری رفاه اجتماعی را افزایش می دهد.
- ب- پیامدهای خارجی واقعی^{۲۳}: زمانی است که افشای شرکت تصمیمات واقعی شرکت های دیگر را مورد تاثیر قرار میدهد. بطور نمونه افشای شرکت درباره سود آتی مورد انتظار می تواند بر تصمیمات رقبا برای ورود یا خروج از بازار تاثیر گذار باشد (وایوز، ۱۹۸۴؛ کانودیا و همکاران، ۲۰۰۰؛ هاگس و همکاران، ۲۰۰۲).

21 - Conferences calls
22 - Financial externalities
23 - Real externalities

ج- هزینه نمایندگی^{۲۴}: در حالی که بسیاری از مطالعات تئوری نمایندگی پیشنهاد می کند که اطلاعات بیشتر می تواند هزینه نمایندگی را کاهش دهد (شلیفر و ولفنزون، ۲۰۰۲)، این نوع از کارایی سود، برای توجیه قانون افشاء ناکافی است.

د- صرفه جویی مقیاس^{۲۵}: استانداردهای عمومی حسابداری می تواند منجر به کارایی سود، با کاهش تکراری سرمایه گذاران از تولید اطلاعات و افزایش قابلیت مقایسه افشاء در بین شرکت ها باشد. این، به احتمال زیاد باعث ارزیابی های دقیق تر از عملکرد شرکت شده و تولید صرفه جویی مقیاس در ارزیابی های افشاء توسط سرمایه گذاران را در پی دارد (دای و ساندر، ۲۰۰۱).

۵-۱-۲- استانداردهای حسابداری بهینه^{۲۶}:

اینکه یک استاندارد حسابداری خاص مطلوب است به این موضوع بستگی دارد که چگونه بر تصمیمات شرکت کنندگان و رفاه آنها در بازار تاثیر می گذارد. بنابراین، یکی از نیازها که چگونگی اندازه گیری حسابداری و مقررات افشاء را تحت تاثیر قرار می دهد، تاثیر تسهیم ریسک در میان تصمیم گیری واقعی سرمایه گذاران است.

الف- حسابداری محافظه کارانه: حسابداری محافظه کارانه بر اساس این ایده است که، تائید نامتقارن^{۲۷} وجود ندارد، زیانهای گزارش شده بوسیله مدیریت حتی اگر آنها نتوانند تایید شوند بوسیله یک بخش بیرونی بخاطر عدم انگیزه مدیریت به گزارش خبر بد، آگاهی بخش هستند. در مقابل، سود گزارش شده توسط مدیریت بدلیل انگیزه های مدیریت برای گزارش اخبار خوب، در نظر گرفته می شود که از آگاهی بخشی برخوردار باشد.

ب- حسابداری ارزش منصفانه و حسابداری پوششی^{۲۸}: هنگامی که ارقام حسابداری تحت تاثیر تصمیمات واقعی کارگزار باشد، بهای تمام شده تاریخی و حسابداری ارزش منصفانه ممکن است به نتایج بسیار متفاوت منجر شود.

۵-۱-۳- خلاصه ای از مدل های افشای قانونی:

سه جنبه مربوط به افشای قانونی عبارتند از اثر تنوع بخشی در بین شرکتها، اثر نظارت بر افشاء بر روی تصمیمات مالی و عملیاتی و اثر نظارت بر افشاء بر ذی نفعان متفاوت.

۵-۲- تحقیقات تجربی جدید بر پیامدهای اقتصادی افشای قانونی:

۵-۱-۲- قانون افشای منصفانه:

با منع مدیران از افشاء و ارائه اطلاعات مهم برای انتخاب بازار سرمایه حرفه ای، تحلیلگران مالی و یا سهامداران نهادی، قانون افشای منصفانه، به عنوان سطح زمینه بازی در بین سرمایه گذاران تعیین شده است و اطمینان در بازار سرمایه عمومی را افزایش می دهد.

۵-۲-۲- قانون ساربنیز آکسلی^{۲۹}:

پیرو تعداد زیاد شکست دولت که نگرانی هایی درباره صداقت اطلاعات حسابداری ارائه شده به سرمایه گذاران ایجاد کرد، کنگره در سال ۲۰۰۲ قانون ساربنیز-آکسلی را به تصویب رساند.

۵-۲-۳- خلاصه ای از پیامدهای اقتصادی قوانین افشای جدید:

با این حال، بسیاری از مقالات تجربی بر وجود هزینه ها و منافع قانون ساربنیز-آکسلی به خوبی دیگر نهادها به طور قابل ملاحظه ای درک ما از چگونگی رسیدگی و بررسی سوالات مهم که از پیامدهای اقتصادی در بازار سرمایه امریکا هستند روبه افزایش است؛ مثلاً چرا نظارت بر افشاء در حال حاضر در کشورهای پیشرفته مانند امریکا نیاز است.

24 - Agency costs
25 - Economies of scale
26 - Optimal accounting standards
27 - asymmetric verification
28 - hedge accounting
29 - Sarbanes-Oxley Act

۶- نتیجه گیری:

افشای اطلاعات نقش اساسی در تصمیم گیری های صحیح و آگاهانه گروه های مختلف بخصوص سرمایه گذاران دارد. بر اساس تئوری اقتصادی عدم تقارن، افشای اطلاعات از عدم تقارن کاسته و باعث کاهش هزینه سرمایه می گردد. چرا که افشای اطلاعات بیشتر منجر به نقد شوندگی بیشتر، هزینه معاملات کمتر و در نهایت به تقاضای بیشتر سهام منجر می شود. در مورد افشای اختیاری، مدیران چنین افشاهایی را زمانی انجام می دهند که منافع حاصل از آن بیش از هزینه های آن باشد و از آنجایی که قوانین و مقررات برآورد کننده نیازهای اطلاعاتی سرمایه گذاران از طریق افشای اجباری است و تامین کننده کمترین مقدار اطلاعات برای کمک به سرمایه گذاران است، نیاز برای افشای اختیاری و پرکردن شکاف ایجاد شده بوسیله افشای اجباری احساس می گردد.

منابع

- صمدی لرگانی، محمود و آزاد، حامد. (۱۳۹۰). نقش افشا داوطلبانه و شفافیت در گزارشگری مالی، حسابرس، شماره ۵۷. پارسایان، علی. (۱۳۹۰). تئوری اثباتی حسابداری (اثر زیمبر من و واتس)، انتشارات ترمه.
- رحیمی، اسحاق. نظام پور، عشرت. (۱۳۹۵). فصلنامه پژوهش های جدید در مدیریت و حسابداری، سال سوم / شماره چهاردهم / زمستان ۱۳۹۳ / 5931 صص 93
- رحمانی، علی و بشیری منش، نازنین (۱۳۹۳). مروری بر ادبیات افشا در ایران، پژوهش حسابداری، شماره ۱۵، زمستان ۱۳۹۳.
- Kent, P. and Ung, K. (2003). "Voluntary Disclosure of Forward-Looking Earnings Information in Australia".
- Botosan, c., plumle, m. (2002). "Are-examination of disclosure level and the expected cost of equity capital". Journal of accounting rasearch, vol,40.
- Healy, P.M., Palepu, K.G. (2001). "Information asymmetry, corporate disclosure, and the capital markets: A review of the empirical disclosure literature", Journal of Accounting and Economics, 31: 405-440.
- Shehata, N. F. (2014). "Theories and Determinants of Voluntary Disclosure", Accounting and Finance Research, Vol. 3, No. 1.
- Beyer, A., D. Cohen, T. Lys, and B. The Financial Reporting Environment: Review of the Recent Literature," Journal of Accounting and Economics 2010
- Jorgensen, B., Kirschenheiter, M., 2003. Discretionary risk disclosures. The Accounting Review 78, 449-469.
- Jovanovic, B., 1982. Truthful disclosure of information. Bell Journal of Economics 13, 36-44.
- Verrecchia, R.E., 1983. Discretionary disclosure. Journal of Accounting and Economics 5, 365-380.
- Dye, R.A., 1986. Proprietary and nonproprietary disclosures. Journal of Business 59, 331-366.
- Lanen, W.N., Verrecchia, R.E., 1987. Operating decisions and the disclosure of management accounting information. Journal of Accounting Research 25, 165-189.
- Dye, R.A., 1985. Disclosure of non-proprietary information. Journal of Accounting Research 23, 123-145.
- Jung, W.O., Kwon, Y.K., 1988. Disclosure when the market is unsure of information endowment of managers. Journal of Accounting Research 26, 146-153.
- Penno, M.C., 1997. Information quality and voluntary disclosure. Accounting Review 72, 275-284.
- Dutta, S., Trueman, B., 2002. Voluntary disclosure of information when firms are uncertain of investor response. Journal of Accounting and Economics 43, 391-410.

- Aboody, D., Kasznik, R., 2000. CEO stock option awards and the timing of voluntary disclosures. *Journal of Accounting and Economics* 29, 73–100.
- Einhorn, E., Ziv, A., 2007. Unbalanced information and the interaction between information acquisition, operating activities and voluntary disclosure. *The Accounting Review* 82, 1171–1194.
- Stocken, P.C., 2000. Credibility of voluntary disclosure. *The RAND Journal of Economics* 31, 359–374.
- Korn, E., 2004. Voluntary disclosure of partially verifiable information. *Schmalenbach Business Review* 56, 139–163.
- Beyer, A., Guttman, I., 2010. Voluntary disclosure, disclosure bias and real effects. Working Paper.
- Einhorn, E., Ziv, A., 2010. Biased voluntary disclosure. Working Paper.
- John, K., Ronen, J., 1990. Information structures, optimal contracts and the theory of the firm. *Journal of Accounting, Auditing and Finance* 5 (1), 61–95.
- Core, J., 2001. A review of the empirical disclosure literature: discussion. *Journal of Accounting and Economics* 31, 441–456.
- Yermack, D., 1997. Good timing: CEO stock option awards and company news announcements. *Journal of Finance* 52, 449–476.
- Berger, P., Hann, R., 2007. Segment profitability and the proprietary and agency costs of disclosures. *The Accounting Review* 82, 869–902.
- Glosten, L., Milgrom, P., 1985. Bid, ask and transaction prices in a specialist market with heterogeneously informed traders. *Journal of Financial Economics* 14, 71–100.
- Easley, D., O'Hara, M., 2004. Information and the cost of capital. *The Journal of Finance* 59, 1553–1583.
- Brown, S., 1979. The effect of estimation risk on capital market equilibrium. *Journal of Financial and Quantitative Analysis* 15, 215–220.
- Barry, C., Brown, S., 1985. Differential information and security market equilibrium. *Journal of Financial and Quantitative Analysis* 20, 407–422.
- Field, L., Lowry, M., Shu, S., 2005. Does disclosure deter or trigger litigation? *Journal of Accounting and Economics* 39, 487–507.
- Vives, X., 1984. Duopoly information equilibrium: Cournot and Bertrand. *Journal of Economic Theory* 34, 71–94.
- Kanodia, C., Mukherji, A., Sapra, H., Venugopalan, R., 2000. Hedge disclosures, future prices and production distortions. *Journal of Accounting Research* 38, 53–82.
- Hughes, J.S., Kao, J.L., Williams, M., 2002. Public disclosure of forward contracts and revelation of proprietary information. *Review of Accounting Studies* 7, 459–478.
- Shleifer, A., Wolfenzon, D., 2002. Investor protection and equity markets. *Journal of Financial Economics* 66, 3–27.
- Dye, R.A., Sunder, S.S., 2001. Why not allow FASB and IASB standards to compete in the U.S.? *Accounting Horizons* 15, 257–271.